سلسله ساختار شخصیت مسلمان (۲)

وضوح منهج...

مهم تر از تبرئه ی اشخاص است

تالیف: عبد المجید عبد الماجد
متخصص تعلیمات اسلامی

نام کتاب : وضوح منهج... مهمتر از تبرئه یی اشخاص است
مولف :عبدالمجید عبدالماجد حفظه الله
متخصص تعلیمات اسلامی
ترجمه :محمد [مجاهد]
تیراژ :1000 جلد
نوبت چاپ : اول
سال چاپ : 1431

فهرست موضوعات

موضوع صفحه

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونستهديه، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا وسيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضل له ومن يضلل فلا هادی له، ونشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شریک له، ونشهد أن محمداً عبده ورسوله... وبعد.

الله جل جلاله حفظ و نگهداری دین را در پرتو سلسله دلایل شرعی که شرح و ذکر همه آن درین رساله کوچک بدور از امکان است بر کلیات پنجگانه آن مقدم داشته و جهادی را که متضمن از بین رفتن جان و مال است بخاطر حفاظت دینش بر عهده یی مسلمانان فرض گردانیده است.

بعد از سقوط و فروپاشی خلافت عثمانی که در واقع خلافت شکلی بیش نبود مسلمانان زمانی تلاش نمودند تا عزت از دست رفته پدران خود را به دست بیاورند و از اسلام خود دفاع نمایند، و بخاطر رسیدن به این هدف در مواجه و رویارویی با طواغیت سرزمین های خود قرار گرفتند، طواغیتی که یهود و صلیبی ها آنان را به صفت نمایندگان خود در کشور های اسلامی گماشته بودند، و در نتیجه رهروان اصیل و پاکباز این جاده مورد ابتلا و آزمون قرار گرفتند و به معیار های قوت های زمینی و حساب مردم متأثر نگردیدند و در فلک ایشان نچرخیدند بلکه در فلک قرآن چرخیدند و مرگ در متابعت قرآن را بر زندگانی آغشته در گناه برگزیدند..

ولی بر خلاف این گروه، اشخاص دیگری را مشاهده نمودیم که قبلا در ساحات جهاد فعالیت می نمودند، و شرایط و معیار های قوت های موجود در زمین آنها را به بخاطر تحقق بخشیدن منافع و مصالح شان به تحرک در می آورد، آنان در میدان های نبرد در عقب شیر های ژیان خود را پنهان می نمودند، و این درست هنگامی بود که قوت های کفری زمینه را بخاطر تحقق یافتن منافع مشترک به مجاهدین در ساحات جهاد باز گذاشته بود، و همینکه مقاصد ایشان تحقق پذیرفت بر مجاهدین دیروز و تروریست های امروز یورش بردند و شماری کثیری از آنان را به قتل رسانیدند و تعدادی دیگری را به اسارت گرفتند، خلاصه

اینکه این دسته از فریب خوردگان در فلک قوت های مادی چرخیدند و نیت های شوم و پلید ایشان نمایان گردید، اینک در ذیل به نمونه های از این گروه اشاره می کنیم تا شاهد گفته های ما باشد...و از نفس گروه فوق الذکر دسته دیگری از علمای جهان اسلام وجود دارند که به اراده و خواست حاکم ظالم حرکت کردند

و فتوا ها و نظرات متناقض صادر نمودند و چیزی را که دیروز جهاد گفته بودند امروز آن را ترور خوانده اند، و آنچه که دیروز جهاد علیه روسها بود امروز عمل تروریستی و بنیادگرایی علیه آمریکا است... زمانیکه علیه داکتر نجیب بخاطر دوستی اش با روسها فتوای کفر داده و جنگیدن علیه او را بر مسلمانان فرض اعلان نموده بودند اما امروز به کرزی، علاوی، جعفری و مالکی اجازه می دهند که با صلیبی ها رابطه یی دوستی برقرار کنند، با وجود آنکه واقعیت و مقتضیات فتوا هرگز تغییر ننموده است..

ولی از سلاله یی این گروه و آن گروه دسته های دیگری هستند که با پیروی از اصول ثابته شریعت به ضرورت سرنگون ساختن طواغیت و برافراشتن کلمۀ الله در روی زمین پی برده اند و وضعیتی را که امت اسلامی در آن واقع است به مسلمانان بیان کردند و دوای را که ممکن است به استعمال آن از ورطه یی هلاکت نجات یافت به مردم معرفی نمودند ولیکن زمانیکه محنت و سختی های این جاده بر ایشان طولانی گردید از آن انحراف ورزیدند و کسانیکه از نظر ایشان در گذشته سرسخت ترین دشمنان و طاغوتان بودند امروز امرای مسلمانان پنداشته می شوند.

البته دو عامل که یکی طول مدت ابتلا و امتحان و دیگری شدت و سختی بوده با هم یکجا شده موج های سرکشی را در ساحه عمل دعوتی و جهادی تشکیل دادند و این وضعیت مسخ شده از این و آن افراز نمود و لباس اصیل خود را به لباس دیگری تبدیل ساخت که این لباس شایسته حال منافقین هم نمی باشد چه رسد به اینکه شایسته کسانی باشد که در میدان دعوت و جهاد فعالیت می نمایند...و در عقب این گروه و آن گروه تعدادی از جهل زده گانی قرار دارند که قلبهای شان به نامهای اشخاص بسته بوده و از آنان متأثر گردیده اند تا آنکه راه ها بروی شان مشتبه شده و همه دچار گمراهی گردیده اند و از روی جهل و نادانی نشانه های راه از انظار شان پوشیده باقی مانده است.

و از آنجاییکه شماری از علماء با عمل به مسئولیت خود قیام ورزیدند و علیه این گروهی که نشانه های منهج را مسخ کرده بودند و با دلایل شرعی علیه ایشان رد نمودند ما هم به نوبه یی خود گفتنی های داریم که می خواهیم نقاطی را توضیح دهیم که لازم است بر اساس آن در هر وقت و زمان و زیر هر شرایطی با منهج الهی تعامل صورت گیرد، منهجی که الله جل جلاله در شریعت محکم خود آن را بر بندگان واجب گردانیده.. از همین جهت بود که این رساله تحریر گردید.

بار الها! راه هدایت را به ما الهام کن و از لغزشها ما را بدور بدار زیرا تو بر این کار قادر و توانا هستی.

محتاج عفو ربم

عبد المجيد عبد الماجد

رمضان 1428هـ

متابعت کنید.. بدعت نکنید

الحمد لله وحده والصلاة والسلام علی من لا نبی بعده... وبعد:

الله تعالی فرموده: (اتَّبِعُواْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلاَ تَتَّبِعُواْ مِن دُونِهِ أَوْلِيَاء قَلِيلاً مَّا تَذَكَّرُونَ)(۱) "(ای مردم) آنچه را که بشما از جانب رب شما نازل شده است، پیروی کنید و بغیر از او دیگری را بحیث دوست و حامی پیروی نکنید. چقدر کم پند پذیر هستید".

ابن کثیر رحمه الله در تفسیر آیت مذکور می نویسد: (اتَّبِعُواْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ) یعنی از آثار پیغمبر امی که قرآن را از نزد رب و مالک همه اشیا بسوی شما آورده پیروی کنید (وَلاَ تَتَّبِعُواْ مِن دُونِهِ أَوْلِيَاء) یعنی از آنچه پیغمبر به شما آورده خارج نشوید و از حکم الله بیرون شده به حکم غیر او روی نیاورید (قَلِيلاً مَّا تَذَكَّرُونَ) .... و این قول الله تعالی همانند این فرموده اش است: (وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ)(۲) "و اگرچه تو اصرار ورزی، (باز هم) اکثر مردم ایمان نمی آورند". و (وَإِن تُطِعْ أَكْثَرَ مَن فِي الأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَن سَبِيلِ اللّهِ)(۳) "اگر تو روش بسا از کسانی را که در روی زمین اند پیروی کنی ترا از راه الله گمراه می سازند" و (وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللّهِ إِلاَّ وَهُم مُّشْرِكُونَ)(۴)" و اکثر ایشان به الله ایمان نمی آورند مگر در حالیکه با وی شریک (هم) می گیرند".

(1) سوره اعراف آیت: 3

(2) سوره یوسف آیت: 103

(3) سوره انعام آیت: 116

(4) تفسیر ابن کثیر ج 3/ ص 387.

خواستم گفته های خود را به این آیه کریمه آغاز نمایم، آیتی که حکم آن تا روز زنده شدن دوباره مردم باقی است و الله تعالی توسط همین آیت مردم را یا بسوی جنت و یا بسوی جهنم می برد، و تا آیت مذکور یاد دهانی باشد برای رهروان راه دعوت و جهاد .

رهروان راه دعوت و جهاد از نگاه ثبات بر منهج به صنف های ذیل تقسیم می شوند:

صنف اول: کسانی هستند که از متابعت چیزی که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و سلم آورده سرپیچی نموده به چیزی های دیگری روی آورده اند... و این دسته از مردم امکان دارد که به هوش آمده و از اشتباه خود پشیمان شوند.

صنف دوم: کسانی هستند که فراموش کرده اند که ایشان بشر بوده و گاهی مرتکب اشتباه می شوند و باید بدانند: هیچ موجود زنده یی از واقع شدن در فتنه در امان نیست، و اینکه منهج الهی چنانکه آیات قرآنی بدان اشاره نموده ثابت است، و اینکه به هر پیمانه که تعداد باطل گرایان افزونی یابد باطل شان آنان را بالا نمی برد و به هر اندازه که تعداد حق گرایان رو به قلت گذارد چیزی از حق آنان نمی کاهد بلکه انبوه باطل گرایان و قلت حق پرستان – چنانکه ابن کثیر رحمه الله به این مطلب اشاره نموده– از سنت های الهی در مورد مخلوقات است، و الله تعالی می فرماید: (فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاء وَأَمَّا مَا يَنفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الأَرْضِ)(۵) "اما کفها بیرون خشکیده می روند ولی آنچه بمردم سود می رساند پس در زمین می ماند".

صنف سوم: کسانی هستند که الله جل جلاله ایشان را هدایت نموده و بر حق ثابت و استوار شان نگهداشته و بصیرت شان را روشن ساخته، پس از جانب رب شان بر هدایت و نور می باشند، ایشان کسانی اند که همیشه حمد و ثنای الله را می گویند و از او می خواهند که بر طریقه و سنت پیغمبر آخر الزمان صلی الله علیه وسلم ثابت قدم و پایدار باقی بمانند.

صنف اول "کسانی هستند که علیه منهج الهی جرأت نمودند":

این گروهی که علیه منهج الهی جرأت نمودند کسانی هستند که در فتنه واقع شده اند و این قماش مردم چه از جمله علما و زمامداران باشند یا از جمله انسانهای عادی کسانی هستند که پیوسته در برابر طاغوت از خود

---

(5) سوره رعد آیت: **17**.

تنازل نشان می دهند و و لا و دوستی خود را با وی به اثبات می رسانند تا حدیکه به مشروعیت اقتدار طاغوت و مشروعیت قوانین او اعتراف می کنند و گام آخری را نیز می بردارند و سمع و طاعت را از طاغوت واجب میدانند که با این عمل خویش یکی از پایه های او می گردند و از مجاهدین بیزاری می جویند و در هر فرصتی علیه ایشان موضع گیری می کنند که بدون تردید ایشان نسبت به جهاد و مجاهین از دستگاه های امنیت و علمای سلطان خطرناک تر ثابت می شوند.

هرچند که از میان این گروه تعدادی وجود دارند که چیزی از علم دارند ولی علم باطل، قوت بیان و فصاحت زبان و مددگاران باطل ایشان که عبارت از طواغیت است بر ما پوشیده نیست زیرا همین طواغیت اند که وسایل تبلیغاتی خود را در خدمت ایشان قرار داده اند و از اینها پشتیبانی کردند.... و اگر علم عالم با کتاب و سنت مطابقت نداشت مسلک اهل حق را اجماع بر این است که همچو علمی باید به دیوار زده شود، تجربه نشان داد که ازین گروه اشخاصی بودند که ما به دیده عظمت و بزرگی به سوی شان می دیدیم ولی مشاهده نمودیم که همانند برگهای درخت در خزان سقوط می کنند.. شاعری در گذشته های دور گفته بود:

اگر علم بدون تقوا و پرهیزگاری شرف و بزرگی باشد
یقینا بزرگترین باشندگان زمین ابلیس بود

صنف دوم: گروهی هستند که از روی جهل و نادانی پیروی دیگران را می کنند:

این گروه کسانی اند که متابعت دیگران را باوجود اشتباهات وانحراف منهج شان نمودند، متابعت اشخاصی را نمودند که چیزهای زیاد از دین را نمی دانند، مثلا علم فرض های عینی ذیل را ندارند: کفر به طاغوت و مستلزمات آن که عبارت از ضرورت بغض و دشمنی وی است، فرضیت تحکیم شریعت و مستلزمات آن که عبارت از دعوت، جهاد و غیره است، و موالات و دوستی حق پرستان و مستلزمات آن که نصرت و یاری رساندن به ایشان و جهاد در کنار ایشان و دعا در حق ایشان و غیره است.

همچنان ضرورت اتباع منهج صحیح و انقیاد و تسلیم شدن به اوامر الله و رسول صلی الله علیه و سلم هرچند که نفس آن را دوست نداشته و موافق هوا و خواهش انسان نباشد نسبت به این مسایل ضروری جاهل اند.

از عبد الله بن عمرو روایت است که گفت رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: **"**لا يؤمن أحدكم حتى يكون هواه تبعا لما جئت به**"**(۶).

---

(6) الابانة الکبری، اثر ابن بطة حدیث شماره 291.

"ایمان یکی از شما تا هنگامی کامل نیست که خواهشات او تابع چیزی باشد که آن را از نزد الله تعالی آورده ام".

امام بخاری در صحیح خود بابی را به این عنوان مسمی نموده: "باب إذا اجتهد العالم أو الحاكم فأخطأ خلاف الرسول من غير علم فحكمه مردود لقول النبی صلی الله علیه وسلم من عمل عملا ليس عليه أمرنا فهو رد"(۷).

"باب در باره اینکه هرگاه عالم یا حاکم اجتهاد کند و بدون اینکه بداند خلاف فرموده یی رسول الله صلی الله علیه و سلم دچار خطا و اشتباه شده است فیصله اش مردود است، زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده اند: اگر کسی عملی را انجام دهد که مطابق سنت و روش ما نباشد آن عمل مردود است".

و در حدیث دیگری آمده است: عن أبی هريرة رضی الله عنه قال قال رسول الله علیه وسلم: "خلفت فيكم شيئين لن تضلوا بعدهما: كتاب الله وسنتي ولن يتفرقا حتى يردا علی الحوض"(۸).

"از ابو هريرة رضی الله عنه روایت است که گفت رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده اند: دو چیز را در میان شما بعد از خود بجا گذاشتم که در صورت تمسک به آن هرگز گمراه نمی شوید: کتاب الله و سنت خود را، و این دو چیز تا روزیکه نزد حوض کوثر به حضور من وارد می شوند از یکدیگر خود جدا نمی شوند".

و از مجموع آنچه تا اینجا گفته آمد سروده یی حافظ بن احمد حکمی رحمه الله است که در کتاب خود "معارج القبول" راجع به اساسات هفتگانه توحید ذکر نموده گفته است:

چیزی که برایت می گویم باید آن را یاد بگیری تا الله جل جلاله به دانستن آن ترا به چیزی توفیق بخشد که آن را دوست دارد، آن هفت چیزعبارت از: علم، یقین، قبول، انقیاد، صدق، اخلاص و محبت است.

---

(7) صحيح البخاري، مسلم، احمد، دار قطني و غيره.

(8) سنن دار قطني، حديث شماره: 4665.

پیروزی یا ناکامی در محنت ها و آزمون ها چیزی را از منهج تغییر نمی دهد:

همه این گروه ها باید بدانند منهجی را که شریعت آن را وضع نموده و مهاجران مؤمن از خاطر آن هجرت اختیار نمودند و مجاهدان بخاطر آن جهاد و پیکار کردند و با گذشت سالها شهدایی در راه آن کشته شدند، آرزوهای دنیوی عناصری که بخاطر کسب مصلحت ها و منافع مادی یا حصول مناصب اداری یا دستاورد های شخصی و با وجود آنکه زمانی طولانی را در میان صفوف مجاهدان سپری نمودند تغییر داده نمی تواند، همچنان بی صبری و بی ثباتی گروهایی که از به طول انجامیدن محنت ها و تکالیف ترسیدند و رهایی از آن را به حساب مسخ نمودن منهج و سرنوشت امت اسلامی و خون شهدا ترجیح دادند، بلکه تمام کوشش و تلاش خود را به خرج دادند تا فتوا ها و نوشته های مبتنی بر باطل بافی های شان، علیه منهج سالم سلف و خلف امت اسلامی به دست نشر بسپارند بلکه مصلحت های آنی مادی ایشان را بدین واداشت تا خلاف آنچه که در گذشته به دست های خود نوشته بودند و به دلایل شرعی آن را مورد تایید قرار داده بودند بنویسند، واقعا ایشان در خیبت و زیان بزرگ واقع شده اند..

خیبت شان بخاطر این بوده که سختی های راه را درست سنجش نکرده بودند.

و زیان شان در این است که با حق مخالفت کردند همان حقی که قبلا از آن پیروی می کردند.

علامه مسعود بغوی رحمه الله در تفسیر فرموده الله تعالی (وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ)..

گفته است: اکثر مفسرین بدین نظر اند که: مراد از **"**حرف**"** شک است، و اصل این کلمه از **"**حرف الشی" ای طرفه، گرفته شده یعنی مراد به "حرف" طرف و جانب چیزی است، و کسیکه در دین الله شک داشته باشد به وی گفته می شود که **"**یعبد الله علی حرف**"** زیرا نسبت به دین در یک طرف و جانبی قرار گرفته و از روی ثبات و اطمینان بدان داخل نگردیده، مانند کسیکه بر جانب کوه ایستاده و استقرار ندارد و مضطرب و پریشان

است، و بیم دارد که بخاطر موقعیت ضعیفی که دارد در یکی از دو طرف کوه سقوط کند، و اگر ایشان الله جل جلاله را چنان عبادت کنند که در هنگام آسایش شکر او را بجا آرند و در وقت سختی صبر کنند یقینا عبادت او را بر (طرف) نکرده اند، حسن گفته است: این شخص منافق است"(۹).

شیخ سید قطب رحمه الله در تفسیر "فی ظلال" نگاشته است: "این نمونه از مردم در هر نسل تکرار می شود، مردمی که عقیده را به معیار فایده و خساره سنجش می کنند و گمان می کنند که آن معامله ایست که در بازار تجارتی انجام می گیرد: (وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالآخِرَةَ)(۱۰) "از مردم کسی هست که الله بر یک پهلو (برای دست یافتن به منافع خاص خود) می پرستد، اگر به او خوبی رسد به آن مطمئن می شود اما اگر به مصیبتی متبلا شود، روی خود را بر می گرداند (او) در دنیا و در آخرت خساره مند شده (و) همین است خسران آشکارا".
عقیده یک اصل ثابت در حیات مؤمن است، و زمانیکه دنیای پیرامون وی به اضطراب و سرگردانی روبرو می شود وی بر همان اصل استوار ثابت باقی می ماند و هنگامیکه حوادث و واقعات او را بسوی خود جذب می کند او متمسک به آن صخره که از جای خود نمی جنبد پا برجا است، و وقتی تکیه گاه های اطراف او فرومی پاشد او به مرکز و پایگاهی تکیه می کند که تحول و زوال را نمی پذیرد"(۱۱).

با وجود اینکه قرآن کریم و سنت شریف طبیعت و دشواری این راه را به وضوح بیان نموده الله تعالی در شروع یکی از سوره های قرآن گفته است: (الم . أَحَسِبَ النَّاسُ أَن يُتْرَكُوا أَن يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لاَ يُفْتَنُونَ . وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ)(۱۲) "آیا مردم پنداشتند که همینکه بگویند: ما ایمان داریم گذاشته می شوند و ایشان آزمایش کرده نمی شوند؟ بیگمان کسانی را که پیش از ایشان زندگی می کردند (نیز) آزمایش کردیم تا الله صادقان را متمایز گرداند و کاذبان را مشخص سازد".

و فرموده: (وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ)(۱۳) "و البته امتحان کنیم شما را تا بشناسیم مجاهدان را از شما و صابران را و بیازماییم احوال شما را".

---

(9) تفسیر بغوی جـ 5 صـ 368.
(10) سوره حج آیت: 11
(11) في ظلال القرآن.
(12) سورة عنکبوت آیت: 1
(13) سورة محمد آیت: 31

و همانند آیات مذکوره آیات دیگری نیز در قرآن کریم وجود دارد که ما بگونه استشهاد به ذکر دو آیت فوق اکتفا نمودیم اما تعدادی از مردم وجود دارند که حق این مسئله را بگونه درستش ادا نکرده اند بخاطر اینکه ایشان یا به تازگی وارد این مسیر شده اند و یا اینکه نسبت به اسلام از علم و دانش کافی بهره مند نیستند.

بلکه از همان روز اول نزول وحی بر رسول الله صلی الله علیه وسلم یعنی هنگامیکه از "غار حرا" بازگشت نمود، ورقه بن نوفل گفت: کاش در آن وقتی که قوم تو، ترا از مکه بیرون می کنند زنده و جوان می بودم، رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: آیا ایشان مرا از مکه بیرون می کنند؟! ورقه گفت: بلی، هیچ پیغمبری در گذشته نبوده که همانند آنچه تو آن را آورده ای آورده باشد و مردم با او دشمنی نکرده باشند، و اگر تا آن روزگار زنده بمانم با تمام امکاناتم ترا یاری خواهم کرد(۱۴).

و از خباب بن الأرت رضی الله عنه روایت است که گفته است: **"**ما اصحاب روزی به رسول الله صلی الله علیه و سلم در حالیکه چادر خود را زیر سرش نهاده و در سایه کعبه شریفه آرام گرفته بود شکایت نمودیم و گفتیم: ای رسول الله! چرا از الله جل جلاله برای ما نصرت و کامیابی را طلب نمی کنی، چرا از او نمی خواهی که ما را پیروز گرداند، رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: «كان الرجل فيمن كان قبلكم يحفر له فی الأرض فيجعل فيه فيجاء بالمنشار فيوضع على رأسه فيشق باثنتين وما يصده ذلک عن دينه ويمشط بأمشاط الحديد مادون لحمه من عظم أو عصب وما يصده ذلک عن دينه، والله ليتمن هذا الأمر حتى يسير الراكب من صنعاء إلى حضرموت لا يخاف إلا الله أو الذئب على غنمه ولكنكم تستعجلون»(۱۵) در امت های پیشین مسلمانی بود که چقری یی برای وی در زمین کنده می شد و در آن نهاده شده توسط اَرَه دو شق کرده می شد، و این کار او را از دینش باز نمی داشت، و توسط شانه یی آهنین تا حد استخوان، گوشت و عصبش شانه زده می شد و این کار او را از دینش منع نمی کرد، سوگند به الله که وی این دین را کامل می گرداند حتی اینکه شخص سوار از صنعاء تا حضرموت بدون اینکه جز الله از کسی دیگری خوف و هراس داشته یا بر گوسفندان خود خوف گرگ را داشته باشد سفر می کند ولیکن شما عجله می کنید**"**.

مطلب اساسی درینجا این است که بنده یی مؤمن از رب خود ثبات و استقامت را سوال نماید زیرا هر موجود زنده یی از واقع شدن در فتنه محفوظ نمی باشد.

---

(14) السيرة النبوية اثر ابن كثير جـ **1** صـ **386**
(15) بخاری آن را روایت نموده

علامه مناوی رحمه الله در "فیض القدیر" در شرح این حدیث: (کان أكثر دعائه يا مقلب القلوب) می گوید: "مراد رسول الله صلی الله علیه و سلم اَعراض و احوالی است که بر قلبها پیدا می شود، نه عین قلبها (ثبت قلبی علی دینک) علامه بیضاوی رحمه الله گفته است: این فرموده یی رسول الله صلی الله علیه و سلم به این مطلب اشاره می کند که این عارضه علاوه بر قلوب بندگان بر قلبهای پیامبران نیز پیدا می شود(۱۶).

پیوند بشر با منهج الهی:

ما بدون اینکه به تفصیل منهج های جدید تباه کن بشریت بپردازیم چون علماء بخاطر رد آن به تفصیل صحبت نموده اند سخن خود را پیرامون این موضوع خلاصه می کنیم که بشر با منهج ربانی که یک منهج درخشان بوده و بطور جاویدان باقی خواهد ماند چگونه برخورد نموده اند؟

از معاذ بن جبل رضی الله عنه روایت است که گفت: از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم که می فرمودند: عطا و بخشش تا زمانیکه عطا و بخشش است بگیرید، ولی هرگاه به رشوت در دین مبدل گردید آن را نگیرید، و فقر و احتیاج شما را نمی گذارد که آن را ترک کنید، آگاه باشید که محققا آسیاب اسلام چرخ زننده خواهد بود پس چرخش شما باید با قرآن باشد، آگاه باشید که قرآن و سلطان از هم جدا می شوند، ولی شما از قرآن جدا نشوید، آگاه باشید! به زودی امیرانی بر شما مسلط می شوند که فقط به اساس منافع و مصالح خود نه بخاطر مصالح شما فیصله ها می کنند، درین وقت اگر نافرمانی ایشان را کنید شما را بکشند، و اگر از ایشان فرمانبرداری کنید شما را گمراه کنند" اصحاب گفتند: پس درین وقت چه کاری را کنیم؟ فرمودند: همان کاری را کنید که یاران عیسی علیه السلام کردند، توسط اره ها شق کرده شدند و بر چوبه های دار آویخته شدند، و مرگ در طاعت الله جل جلاله بهتر از زندگانی در نافرمانی اوست"(۱۷).

ما قبلا به این مطلب اشاره یی داشتیم و پیوسته این مطلب را تکرار خواهیم کرد و توجه مسلمانان را تا هنگامیکه جنگ و کشمکشی میان حق و باطل در جریان است و تا لحظه که یک رگ در بدن ما در حرکت است به آن جلب می کنیم..

ــ به آنانیکه طبیعت و دشواری راه را دقیقا اندازه گیری نکرده اند..

---

(16) فیض القدیر جـ 5/صـ213.

(17) المعجم الكبير اثر امام طبراني، حدیث شماره 16599.

ــ به آنانیکه عقیده خود را به میزان نفع و نقصان مادی دنیوی سنجش می کنند، چنانکه بعضی از جاهلان زمانه جاهلیت بعد از اسلام آوردن شان اگر می دیدند که حیوانات و مواشی شان زیاد می شد و زنان شان، فرزندان تولد می کردند دین را به فال نیک می گرفتند، و اگر خشک سالی و زیان های مالی به آنان می رسید اسلام را به فال بد می گرفتند و مرتد می شدند.

ــ به آنانیکه تجرد خود را به دین الله جل جلاله آلوده ساختند و تبرئه یی اشخاص را به حساب تحریف و مسخ نمودن منهج ترجیح دادند.

به همه این افراد اعلان می داریم و می گوییم:

با وصف آنکه الله جل جلاله از میان جهانیان پیامبران خود را برگزید و فرمود: (إِنَّ اللّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ)(۱۸) "حقا که الله آدم، نوح، خانواده ابراهیم و خانواده عمران را بر همه جهانیان برگزید" و آنان را بر جهانیان فضیلت و برتری عطا نمود و گفت: (وَكُلاًّ فضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ)(۱۹) "و همه اینها را بر جهانیان فضیلت دادیم" و آنان را طور الگو برای دیگران قرار داد و فرمود: (أُوْلَـئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللّهُ فَبِهُدَاهُمُ اقْتَدِهْ)(۲۰) "آنها کسانی اند که الله ایشان را رهیاب ساخت پس بروش ایشان اقتدا کن" و ایمان به آنان را فرض گردانید و گفت: (آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِن رَّبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللّهِ وَمَلآئِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لاَ نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ)(۲۱) "پیامبر به چیزی که به او از طرف ربش نازل شده است ایمان دارد و مؤمنان نیز، همه به الله، فرشتگان، کتاب هایش و پیامبرانش ایمان آورده اند (آنها می گویند) میان هیچ یک از پیامبران او فرق نمی گذاریم".

با وجود این همه الله جل جلاله نام های آنان را در جاهای متعدد کتاب خود ذکر نمود و آنان را عتاب کرد و بخاطر حفظ منهج خود راه صواب و درست را به آنان نشان دهی نمود، در مورد یونس علیه السلام گفت: (إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ. فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنْ الْمُدْحَضِينَ)(۲۲) "چون به کشتی مشحون (از بار و نفر)

---

(18) سوره آل عمران آیت: **33**
(19) سوره انعام آیت: **86**
(20) سوره انعام آیت: **90**
(21) سوره بقره آیت: **285**
(22) سوره صافات آیات: **140**، **141**

گریخت و (با اهل کشتی) قرعه انداخت و از لغزیدگان بود"، و به داود که لقب "اواب" را نیز به او داده چنین خطاب کرد: (وَلاَ تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ)(۲۳) "و از هوا (ی نفس) پیروی منما که ترا از راه الله منحرف می سازد، کسانیکه از راه الله منحرف می شوند، بیگمان برای شان عذاب شدید است"، و به ابراهیم خلیل الله گفت: (يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا)(۲۴) "(الله به او گفت) ابراهیم، ازین (کار) صرفنظر کن"، و به حبیب خود محمد صلی الله علیه و سلم گفت: (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ)(۲۵) "ای پیامبر، از الله بترس" و در موقع حکایت از اولیا و دوستانش که اصحاب پیغمبر هستند گفت: (حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الأَمْرِ وَعَصَيْتُم)(۲۶) "(این بیروزی) تا هنگامی (دوام کرد) که سست شدید و در (اطاعت از) امر به منازعه پرداختید و نافرمانی کردید".

منهج الهی از خود دارای اصول ثابت و ارزشهای محکمی است که تغییر ناپذیر بوده و پیروی از آن بر تمام بشریت لازم است، از جمله:

1ـــ منهج الله جل جلاله ثابت بوده و ارزشهای ثابته یی آن تغییر و تبدیلی را نمی پذیرد.

2 ـــ بشر دستخوش اشتباهات می شود ولیکن اشتباهات شان اشتباهات بشری اند وارزشها و اصول ثابته منهج اسلامی آن را تغییر داده نمی توانند.

3 ـــ هرگاه انسانها مرتکب اشتباهی می شوند شایسته آن است که از اشتباه شان نام برده شود و زمانیکه انحراف می ورزند به همین صفت باید موصوف شوند و نباید از اشتباه شان به حساب حق و هرچند که از قدر و منزلت بلندی برخوردار باشند چشم پوشی کرد.

4 ـــ براءت دادن اشخاص به هر سطحی که باشد مساوی به مسخ منهج الهی شده نمی تواند.

5 ـــ اسلام محور ثابتی است که حیات مردم پیرامون آن می چرخد، وبهتری امت اسلامی در این است که اصول و اساسات منهج شان روشن و سلیم باقی بماند، و کسانیکه مرتکب اشتباه می شوند باید به همان وصفی توصیف شوند که مستحق آن هستند.

---

(23) سوره ص آیت: 26
(24) سوره هود آیت: 76
(25) سوره احزاب آیت: 1
(26) سوره آل عمران آیت: 152

6 ـــ ما وقتی از تاریخ اسلام حرف می زنیم منظور مان فقط همان تاریخی است که مسلمانان در ادوار مختلف اسلام حقیقی را تطبیق نمودند و عملکردهایی است که مطابق منهج الله آن را انجام دادند.

7 ـــ بشریت بدانند که اشخاص باید به معیار حق شناخته شوند نه اینکه حق به معیار اشخاص.

و این چیزی است که الله جل جلاله در حق امت مسلمه اراده نموده، که از اشتباهات شان پرده برمیدارد و ضعف و کمبود شان را ثبت می نماید، و اگر از اشتباه خود رجوع نمودند و توبه کردند و آن را اصلاح نمودند آنان را مورد عفو قرار می دهد، و اگر چنین کاری را نکنند نتایج این ضعف و نقصان را در ساحه ابتلا و امتحان برای شان می چشاند.

صنف سوم: گروه غربای منصور و پیروز:

این دسته از جوانان غرباء، سوگند به الله که در میان ایشان مردانی را دیدیم که درسهای اخلاص، فداکاری و جان نثاری را به مردم می دهند و جان های شیرین خود را در راه سربلندی اسلام و حفظ منهج الهی بدون هیچ گونه فلسفه گویی یا خود نمایی نثار می کنند، و به گفته های کسانیکه کاری جز این ندارند که مردم را از فتنه ایشان هشدار دهند پروایی ندارند، و ما خود را در برابر ایشان خورد و کوچک می بینیم، ایشان کسانی هستند که با سعی و تلاش خود ساحات جهاد را پر ساخته اند و زبان حال ایشان چنین می سراید:

اگر تاریخ اوس و خزرج را شناخته است

پس بار دیگر بنام الله اوس و خزرج آمدنی هستند

واقعا در ژرفای غیب پیشاهنگان مجاهد ما مخفی هستند

که باوجود تندباد های شدید به میدان می برآیند

البته بهترین جواب مجاهدان غرباء برای عناصریکه می خواهند منهج الهی را مسخ کنند این است که به سیر خود ادامه بدهند و خود را بسوی بلندی ها برسانند و به عناصر مرتجعی که منهج الهی را تغییر می دهند پروا نکنند و به بذل عطا و ثمر خود در میدان های نبرد با اخلاص دین به رب شان تداوم بخشند.

ـــ راه نجات فقط همین است.. و همین مسلک غرباء است.. و هرگاه یادی از این جوانان کنیم گفته های علامه ابن قیم رحمه الله به یاد مان می آید که در قصیده نونیه یی خود سروده است:

غربت و تنهایی

ات در میان مخلوقات ترا به وحشت نیافگند

زیرا مردم در گمان انسان همانند مردگان اند

آیا ندانسته ای که عاملان به سنت واقعا در هر زمانی غرباء هستند

بمن بگو! آیا پیغمبرصلی الله علیه وسلم، اصحاب و تابعان نیکو کردار آنان از ناحیه جاهلان، معاندان، منافقان و جنگجویان متجاوز و ستمگر در امن و امان زیسته بودند؟

در حالیکه آزار و اذیتی را در راه نصرت و یاری الله جل جلاله نچشیده ای و گمان می کنی که وارث و جانشینان آنان هستی !!

بارالها! ای دگرگون کننده یی قلبها، قلبهای ما را بر دینت ثابت و استوار دار.

وصلی الله علی سیدنا محمد وعلی آله وصحبه وسلم، وآخر دعوانا أن الحمد رب العالمین.